

# حیات وحش و مدیریت آن

از: محمود کرمی\*



## مقدمه

در این نوشته کوتاه سعی بر آنست که حیات وحش و مدیریت آن تا حد امکان بدقت تعریف گردد، چرا که تاکنون تعریف صحیحی از حیات وحش و مدیریت آن در نشریات علمی کشور ارائه نگردیده است. بعقیده نگارنده ارائه تعاریف صحیح و علمی که مورد قبول کارشناسان باشد مقدمه ای است برای گسترش شناخت علمی درباره منابع حیات وحش کشور. این نوشته دارای دو قسمت است در قسمت اول حیات وحش و در قسمت دوم مدیریت آن، پس از مروری کوتاه بر تعاریف ارائه شده قبلی، تعریف خواهد شد.

## حیات وحش

تفاوت عمده ای بین حیات وحش و حیوانات وحشی وجود دارد که برای بسیاری این تفاوت روشن نیست. آیا حیواناتی را که در باغ وحش ها نگهداری میگردند، میتوان با وجود وحشی بودنشان حیات وحش خواند؟ آیا حیواناتی را که بدون مطالعه به زیستگاههای جدید و غیر طبیعی وارد کرده و برای بقیه آنها مجبور به تهیه خوراک و تهیه پناهگاههای مصنوعی هستیم میتوان حیات وحش خواند؟ سئوالاتی از این قبیل باید با تعریف مناسب حیات وحش پاسخ داده شود. مدیریت علمی حیات وحش در آمریکا در واقع از سال

---

\* استادیار گروه احیای مناطق خشک و کوهستانی ( رشته محیط زیست ) دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران .

۱۹۳۳ به بعد که لئوپولد (A. Leopold) کتاب نخجیر داری خود را برشته تحریر درآورد آغاز گردید. وی مکرراً "در کتاب خود درباره حیوانات شکاری سخن گفته و بعبارتی حیات وحش برای وی منحصر به حیوانات شکاری بوده است. افزایش اطلاعات درباره حیوانات وحشی بتدریج نقش اکولوژیکی حیوانات غیر شکاری مانند پرندگان و پستانداران گوشتخوار و پستانداران کوچک را روشن ساخت.

لئوپولد در سال ۱۹۲۰ معتقد به از بین بردن و نابودی برخی از گوشتخواران بود، که (Flader ۱۹۷۴) بعدها به اهمیت آنها پی برد. بدین ترتیب روشن میگردد، که لئوپولد اگر به نقش اکولوژیکی حیوانات غیر شکاری در سالهای قبل از انتشار کتاب خود آگاه بود عنوان کتاب خود را منحصر به حیوانات شکاری نمیکرد. ذیلاً "پس از بررسی مختصر دو تعریف جامع، تعریفی مناسب ارائه میگردد:

۱- تعریف سازمان جنگلانی امریکا (U.S.F.S.):  
"تمام دوزیستان، خزندگان، پرندگان و پستانداران غیر اهلی اعم از شکاری یا غیر شکاری که به نظر ما مفید یا غیر مفید بوده و در یک محیط طبیعی زندگی میکنند حیات وحش خوانده میشوند. حیوانات مختلفی که قبلاً "اهلی بوده و وارد طبیعت شده و بصورت وحشی درآمدند بعنوان حیات وحش بشمار نمیآیند".

همانطوریکه روشن است تعریف فوق باستناد ماهیها همه مهره داران اعم از شکاری و غیر شکاری را در بر میگیرد. مفید یا غیر مفید بودن گونه ها در رابطه با میزان دانش ما درباره آنهاست و گونه هائی را که هنوز موفق به شناختن نقش های مفید آنها نشده ایم نمیتوانیم از این تعریف حذف کنیم. این مهره داران طبق تعریف تنها در محیط طبیعی

بعنوان حیات وحش بشمار میآیند.

این نکته ذیلاً " بطور مبسوط مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲- بیلی (Bailey ۱۹۸۰) با الهام از لئوپولد (Leopold ۱۹۳۳) و کینگ (King ۱۹۳۸) حیات وحش را بصورت زیر تعریف نمود:

" حیات وحش به کلیه مهره داران وحشی که در محیطهای طبیعی تکامل یافته و بدان وابستگی دارند اطلاق میشود. این تعریف مشتمل بر نکات زیر است:

- حیات وحش متشکل از حیوانات متعدد و متنوع میباشد.

- حیوانات وحشی مشمول تعریف دارای طبیعت وحشی میباشند.

- روابط متقابلی بین حیوانات و محیط زیستشان وجود دارد.

همانطور که مشاهده میشود عبارت "شکاری و غیر شکاری" از تعریف حذف و ماهی ها بطور ضمنی بدان اضافه شده اند. اشکال این تعریف عدم توجه به گونه های معرفی شده به زیستگاههای جدید میباشند این گونه ها در برخی از موارد بخوبی مستقر شده و از تولید مستمر و مناسب برخوردارند. مثلاً " کبک و قرقاول از نمونه های موفق معرفی شده بامریکا میباشند. لذا در تعریف حیات وحش نباید تنها اکتفا به ذکر محیطهای زیست طبیعی محل تکامل حیوانات نمود.

با تغییر مختصر در تعریف بیلی میتوان مناسب ترین تعریف از حیات وحش را بشکل زیر بیان کرد:

" حیات وحش به کلیه مهره داران آزاد که در محیطهای طبیعی اصلی و یا منشاء خود تکامل یافته و در یک

محیط طبیعی زندگی و بآن وابستگی دارند اطلاق میگردد".  
این تعریف سه مورد مذکور در تعریف بیلی رادر  
برداشته و مشتمل بر نکات زیر نیز هست:

الف: حیوانات وحشی باید بحالت آزاد باشند. این  
در شرایطی امکان پذیر است که حیوانات بتوانند آزادانه وبدون  
محدود بودن بوسیله حصار خود را از چشم افرادی که وارد  
محیط زیست آنها میگردند بدور داشته و بدون هیجان بـه  
فعالیت‌های عادی خود ادامه دهند.

آشکار است که برای پستانداران کوچک وسعت این منطقه  
کم و برای حیواناتی مثل گوزن وغیره بسیار بزرگتر خواهد بود.  
همچنین بسته به نوع زیستگاه (جنگلی و غیر جنگلی) وتعدد  
مزاحمات وسعت منطقه متغیر خواهد بود.

ب: محیط طبیعی اصلی محیطی است که حیوان در آن

تکامل یافته و به بهترین وجه در برابر عوامل زنده و غیر زنده  
آن سازگاری پیدا کرده است. حیوانات وحشی در این محیطها  
قادرند با تولید مثل مستمر خود گونه خویش را تداوم بخشند.  
این حیوانات وقتی به محیطهای مشابهی از نظر ساخت  
(Structure) و توالی گیاهی انتقال یابند میتوانند در  
صورت وجود نیچ (آشیان اکولوژیک) خالی با موفقیت مستقر  
شده و موفق به تشکیل جمعیت گردند. ساخت محیط (زیستگاه)  
بستگی به ترکیب گونه ای و تیپ های بیولوژیک (شکلهای رویش)  
گیاهان دارد. همین ساخت زیستگاه است که وجود آشیانهای  
اکولوژیک، برای حیوانات وحشی را بوجود میآورد

(Mosew and Thomas 1977)

ج: وابستگی به محیط طبیعی ناشی از روابط متقابلی  
است که حیوان وحشی را به محیط زیست خود پیوند میدهد.



قوچ و میش پارک ملی تندوره  
استان خراسان دره شکرآب

زمینه‌های ایجاد حیوانات وحشی با ارزش بوده، و این جامعه است که بسته به نظام اجتماعی و اقتصادی و نیازهای خود این ارزش‌ها را تعیین میکند.

مدیریت حیات وحش  
مدیریت حیات وحشی به شکلهای زیر تعریف شده است:

"هنر اداره اراضی بشکلی که بتواند محصول سالیانه مستمری از حیوانات وحشی شکاری برای استفاده‌های تفریحی بوجود آورد" (Leopold ۱۹۳۳).

"هنر و علم تغییر اختصاصات و کنش زیستگاهها، جمعیت، حیوانات وحشی و انسان در راه رسیدن به اهداف خاص انسانی از طریق منابع حیات وحش" (Giles)  
"هنر اداره اراضی بشکلی که محصول سالیانه مستمری از حیات وحش، برای استفاده از ارزش‌های چند جانبه‌اش، بوجود آورد." (Bailey 1980)

"هنر اداره اراضی بصورتی که جمعیت‌های مطلوب و با ارزشی از حیات وحش را بطور مستمر بوجود آورد."  
این تعریف شامل نکات زیر است:

الف: مدیریت حیات وحش هنر است و بر پایه علمی متکی میباشد.

ب: بوجود آوردن مستمر حیات وحش در رابطه با ۲ نوع کار است:

۱- کار بر روی جمعیت (انتقال و معرفی گونه‌ها - تنظیم جمعیت از طریق شکار، معالجه و غیره).  
۲- کار بر روی زیستگاه (تغییر در کمیت و کیفیت زیستگاهها از طریق اصلاح زیستگاه، گسترش زمینهای زراعی و غیره).

ج: تا مشخص نشدن "جمعیت مطلوب" (از نظر کمی یا کیفی) هرگونه اقدامی خارج از تعریف فوق خواهد بود.

د: هدف همواره حرکت در جهت فراهم آوردن

#### References

- 1- Bailey, J.A. 1980 Principles of Wildl. Mgmt. Notes
- 2- Flader, S. 1974 Thinking like a mountain. Univ. Missouri Press. 284pp.
- 3- Giles R.H. Jr. (Ed). 1969. Wildl. Mgmt. Thechniques the Wild Soc.
- 4- King. R.T. 1938 What Constitutes training in Wildl. Mgmt. Trans. N. Am. Wild. Conf. 3. 548-557.
- 5- Leopola, A. 1933. Game Mgmt. C. Seribners Sons, N.Y. 481 pp.